

## مقدمه

مطالعه کتب راجع به علوم مالیه مرادادانت که چندی قبل کتاب بودجه نایف داشتند معروف پروفیسور اشتورم را ترجمه نمایم که در بعضی موارد مختصر نمایم داشته و گاهی هم اشاره قوانین و مقررات مالی ایران شود.

منافذ و سبیل طبع آرا ادا شتم تا اینکه اخیراً موافق بطبع آن گردید.

چنانچه در ترجمه این کتاب مهم و مفید موفقیت کامل حاصل نشده باشد از خوانندگان محترم پوزش میطلبیم.

مراجعه بادفت در این کتاب جامع برای کسانی که با مالیه مملکت سروکار دارند مخصوصاً آقایان وزراء نمایندگان مجلس شورای ملی و متصدیهای امور مالی نهایت ضرورت را دارد.

تمام نکات علمی و عالی اطلاعات تاریخی آن راه راست را برای طری مراحل در تهیه تصویب اجرا - و کنترل بودجه نشان میدهد امیدوارم انتشار این کتاب سودمند بر این فارسی موجب هدایت اربابان حل و عقد امور مالی کشور ما واقع گردد  
امان الله اردلان



# فهرست مداخلات

## فصل اول

توضیح بودجه - حقوق بودجه

صفحه	عنوان
۲	۱ توضیح بودجه
۷	۲۵ . حقوق بودجه
۱۱	۳۴ . سابقه حقوق بودجه در انگلستان
۲۴	۴۰ . اصول حقوق بودجه در صالتک متحده آمریکا
۲۹	۵۰ . حقوق بودجه در روس

## فصل دوم

سابقه حقوق بودجه در فرانسه

۳۲	۱۰۵ . سابقه حقوق بودجه در فرانسه، دوره اتانژ و
۳۹	۲۰۰ . دوره پارلمانها
۴۲	۳۰۰ . منای اصول بودجه بطور جدید

## قسمت اول

تهیه بودجه

### فصل سوم

۵۰	تهیه کنندگان بودجه (سختاس هستند، وظیفه وزیر مالیه
۵۲	۱۰۶ . تهیه بودجه از طرف قوه مجریه، قوه اینتار پارلمانی
۵۷	۲۰۰ . مأمورینی که در تهیه بودجه مشارکت میکنند
۵۹	۳۰۰ . وزیر مالیه
۷۰	۴۰۰ . اداره خزانه داری در انگلستان
۷۴	۵۰۰ . خلاصه لامحه بودجه در پارلمان

## فصل چهارم

- ۷۵ . موقع تهیه بودجه ، تاریخ ابتدای سنه مالیه
- ۷۶ . ۱ \* . موقع تهیه بودجه در مملکت فرانسه
- ۸۱ . ۲ \* . لایحه تغییر سنه مالیه در ۱۸۱۹
- ۸۵ . ۳ \* . تواریخ ابتدای سنه مالیه در ممالک خارجه
- ۸۹ . ۴ \* . لایحه جدید تغییر سنه مالیه که در فرانسه در ۱۸۱۸ رد گردیده است
- ۹۳ . ۵ \* . يك دوازدهم درباريك
- ۹۵ . ۶ \* . لزوم نزد يك نمودن بر آوردها بمعاملات واقعی

## فصل پنجم

- ۹۶ . دوره عمل مالیه و سنه مالیه
- ۹۷ . ۱ \* . دوره عمل مالیه و معامله ستوانی ؛ توضیحات
- ۱۰۲ . ۲ \* . افراط و تفریط تاریخی نتیجه طرز دوره عمل
- ۱۰۵ . ۳ \* . تاخیر ضروری عملیات که در طرز دوره عمل وجود دارد
- ۱۰۶ . ۴ \* . محاسبات سالیانه در انگلستان و ایتالیا
- ۱۱۱ . ۵ \* . رقم مختلف توافق نظر برینباری ۱۸۱۹

## فصل ششم

- ۱۱۵ . جامعیت مستخصیات
- ۱۱۷ . ۱ \* . قاعده جامعیت قانون ۱۸۱۸ درجه بسط استوائی اجراء آن
- ۱۲۳ . ۲ \* . قاعده جامعیت موافق فرمان ۱۸۲۲ ، خلاف قواعدی که نسبت بمقررات آن دائماً بعمل آمده

صفحه	عنوان
	۳ * اصول جامعیت در بودجه های انگلیس ، آلمان
۱۳۲	پلر پلک و ایتالیا
۱۳۶	۴ * محضات اصول جامعیت
۱۳۸	۵ * اصول تخصیصی مخالف با اصول جامعیت است
	<b>فصل هفتم</b>
۱۴۲	تخمینات بودجه نسبت به عایدات و نسبت به مخارج
۱۴۲	۱ * ترتیب تخمین عایدات ، اصول اتماتیک
	۲ * اصول تعیین عایدات علاوه بر ماخذ دریافتی ،
	افزاده عایدات علاوه بر ماخذ تخمین شده
۱۴۷	عدم موفقیت رفورم سنه ۱۸۸۳
	۳ * ترتیب تخمین عایدات در انگلستان و در آلمان و در
۱۵۵	عساکر متحده امریکا
	۴ * تخمین مخارج ، توضیح کلمه اعتبار -
۱۶۲	اعتبارات محدود - اعتبارات تخمینی
	<b>فصل هشتم</b>
۱۷۳	حجم لایحه بودجه ، مخارج و عایدات بودجه عادی
۱۸۴	۱ * مقدمه در بیان اسباب موجهه
۱۸۶	۲ * متن لایحه قانون عالیه
۱۷۷	۳ * بودجه معمولی و توضیح آن
	۴ * تقدم مخارج نسبت به عایدات در بودجه مملکتی
۱۷۸	در سنه ۱۸۴۹
۱۸۱	۵ * ش ...

ردیف	عنوان
۱۸۴	۶ * شرح عایدات مندرجه در بودجه معمولی
	<b>فصل نهم</b>
	بودجه‌های فوق‌العاده
۱۹۰	۱ * تاریخ بودجه‌های فوق‌العاده
۲۰۲	۲ * مباحثه در محسبات و «نقل بودجه‌های فوق‌العاده
۲۱۱	۳ * بودجه‌های فوق‌العاده در خارج
	<b>فصل دهم</b>
۲۱۶	بودجه از منابع عایدات مخصوصه - بودجه‌های عمومی
۲۱۷	۱ * بودجه از منابع عایدات مخصوصه
۲۲۵	۲ * بودجه‌های عمومی
	<b>فصل یازدهم</b>
۲۳۱	مشاغل مخصوصه ، خزانه ، اقبالی جز - راجع بودجه
	۱ * مشاغل مخصوصه خزانه ، شمات منابع نسبت بشر
۲۳۰	های راهپایی آهن
۲۳۹	۲ * پنج قسمت مذکوره قبل را به - وان جمع بندی نمود
۲۴۲	۳ * وسائل خدمت و ترتیبان مختلفه
۲۴۷	۴ * اسناد عمومی ضمیمه

## قسمت دوم

رای در بودجه

### فصل دوازدهم

۲۵۱	کمیسیون‌های مختلفه بودجه ، شور عالی
-----	-------------------------------------

صفحه	عنوان
۲۵۲	۱۰۵ . کمیونتهای مقننه علنی پاسری
۲۵۸	۲۰۶ . دائمی بودن کمیونتهای مقننه در معائنات متحدان امریکا و در فرانسه در دوره انقلاب
۲۶۳	۳۰۶ . رابرت هائی که از طرف کمیونتهای مقننه نوشته شده است
۲۶۵	۴۰۵ . شور در کتاب بود در موارد لایحه قانونی مالبه فصل سیمین ششم تخصیص آراء به فصل
۲۷۱	۱۰۶ . احصایات ( با اعداد ) در بودجه تاریخ ترقیات بی دریغ این تخصیجات در فرانسه
۲۷۶	۲۰۶ . توضیح فصل ، لایحه تخصیص دادن آراء قوه مقننه به نفسیات جزء شو جملی از ماده و بنا اگر ارف
۲۸۲	۳۰۶ . رأی آخر بودجه
	فصل چهاردهم
۲۸۵	سالانه بودن رأی بودجه ها ، هفت ساله بودن بودجه تباری - و دوره ناده - با مسائل موافق و ناهای باک با چند درازدهم
۲۸۶	۱۰۶ . رای سالیانه بودجه ها ، موارد استثنای در بعضی از معائنات
۲۸۷	۲۰۶ . قسمتهای بودجه که برای چند سال رأی داده شده است و جوه ثابته در این استخوان بود - هفت ساله استثنای در آمان خارج از بودجه های دو ساله و سه ساله

صفحه	عنوان
۲۹۳	۳ * اقساط دوازده گانه موقتی ( يك يا چند دوازدهم )
	۴ * اقساط موقتی در خارجه ، رای در پرداخت مساعده
	در انگلستان - کمیته های تعیین مخارج و مساعدت
۲۹۶	های نقدی و طرف وسائل
	<b>فصل پانزدهم</b>
	رای مجلس اعیان ، اقتدارات بودجه در دو مجلس ،
۳۰۱	مناقشات سالیانه
۳۰۹	۱ * وظیفه مجلس اعیان راجع بودجه در مهلت مختلفه
	۲ * اقتدارات مجلس در فراسه راجع بودجه
۳۰۹	مناقشات سالیانه
۳۱۶	۳ * رای در بودجه از طرف سا
	<b>فصل شانزدهم</b>
	اعتبارات اضافی : اقدامات مختلفه که برخلاف این
	ترتیب شده است ، بودجه های مصححه -
۳۱۸	تبدیل اعتبارات
۳۱۹	۱ * اعتبارات اضافی ، دلایل وجود این ریب و مخالرات آن
	۲ * اقدامات مخالف اعتبارات اضافی ، تدابیر موقتی در
۳۲۳	درجه دوم اهمیت
۳۲۸	۳ * بودجه های مصححه
۳۳۲	۴ * تبدیل اعتبارات

## فصل هفدهم

- تاریخ اعتبارات اضافی، ترتیب قانونی اعتبارات مزبوره ۳۳۸
۱. تاریخ قانونی شدن اعتبارات اضافی ۳۳۹
۲. قوانین مالییه اعتبارات اضافی ۳۴۵
۳. الغاء اعتبارات ۳۵۱
۴. تاریخ قانونی نمودن اعتبارات اضافی ۳۵۴
۵. اعتبارات اضافی در معاملات خارجه ۳۵۶

## فصل هیجدهم

- رد شدن بودجه
۱. رد شدن بودجه از طرف پارلمان ۳۶۴
۲. تشکلات در رد بودجه در فرانسه، انگلستان و آلمان ۳۶۸
۳. تشکلات و اقدامات در رد بودجه در فرانسه ۳۷۱

## قسمت سوم

اجرای بودجه

### فصل نوزدهم

در بابت مالیاتهای غیر مستقیم

- در بابت مالیاتهای غیر مستقیم ۳۷۶
۱. وضع جرء جمع مالیاتها ۳۷۸
۲. دریافت مالیاتهای غیر مستقیم ۳۸۲

### فصل بیستم

۱. اداره مالیاتهای غیر مستقیم در فرانسه ۳۹۱
۲. حقوق مشخصه و تابعه ۳۹۶
۳. تشخیص و مدیریت - خلاصه اداره مالیات غیر مستقیم ۴۰۲

## ح فصل بیست و یکم

- دریافت حقوق ثبت اسناد و حقوق گمرکی نسبت به مالیه ۲۰۵
- ۱۶۳ . اداره ثبت اسناد ۲۰۶
- ۲۶۱ . اداره گمرکات ۲۶۱
- ۳۰۳ . اوصاف مشخصه ذکری و برهمن مالکات های مستقیمه - مالکات غیر مستقیمه ۲۶۲
- ۲۶۹ . تفهیم کل مالیه ۲۶۹

## فصل بیست و دوم

- ۱۰۱ . مرکزیت دادن وجوه و موارد ذرا ا... ۱۰۱
- ۱۰۱ . مالک ۱۰۱
- ۱۰۲ . مرکزیت دادن وجوه و موارد ذرا ا... ۱۰۲
- ۲۲۸ . مرکزیت دادن وجوه و موارد ذرا ا... ۲۲۸
- ۳۰۳ . اوصاف مشخصه ذکری و برهمن مالکات های مستقیمه - مالکات غیر مستقیمه ۳۰۳
- ۲۳۰ . مصرف مرسدانه با تعدادی که وجوه را بحواله میدهد ۲۳۰

## فصل بیست و سوم

- ۲۰۲ . حراجه دارهای ولایت - لواحق و مورد - وادعه - امان ۲۰۲
- ۲۳۵ . خزانه داران ولایت معاهدات آنها با مالک ۲۳۵
- ۲۵۱ . نواح تابعین خزانه داران ولایت ۲۵۱
- ۲۵۰ . مردم تابعین خزانه داران ولایت ۲۵۰
- ۲۵۲ . خزانه داری در استالستان در آلمان برتر با خزانه ۲۵۲

## فصل بیست و چهارم

- ۴۶۱ وظیفه وزیر مالیه - اداره مخارج - حواله کنندگان و محاسبین
- ۴۶۲ ۱- اجرای بودجه بنوسط وزیر مالیه
- ۴۶۵ ۲- حواله دهندگان
- ۴۶۹ ۳- وظیفه محاسبین
- ۴۷۱ ۴- وظائف وزیر مالیه نسبت به مخارج
- ۵- حق مطالبه بکده بحواله دهندگان داده شود
- ۴۸۱ مسئولیت اداره کنندگان

## فصل بیست و پنجم

- مخارجی که بدون اعتبار شده است - صلاحه رفورم - کنترل برای جلوگیری
- ۴۸۴ از تجاوزات
- ۴۸۵ ۱- تاریخ تجاوزات از اعتبارات
- ۴۸۷ ۲- انواع رفورم
- ۴۹۰ ۳- شکل کنترل برای اجازت گیری عمای در اناسان و در اناسان

## فصل بیست و ششم

- ۵-۳ ۱- غیر محتمل بودن دوره ۱۸۲۲ تا ۱۸۲۳
- ۵-۴ ۲- خاتمه دوره عملی - ۱۸۲۲ تا ۱۸۸۹
- ۵-۵ ۳- ترتیب محاسبات برای دوره عملی ۱۸۸۹ تا ۱۸۹۰
- ۵-۶ ۴- استنتاجی بعد از پنج ساله ۱۸۳۱ - در دوره عملی محاسبی
- ۵-۷ ۵- خاتمه دوره بودجه در اناسان

# قسمت چهارم

## کنترل بودجه

### فصل بیست و هفتم

- ۱ لزوم کنترل - حواله دهندگان و روسای مالیه - محاسبات - کنترل  
 ۵۱۰ روسای مالیه
- ۲ اقدامات شدید که بواسطه نبودن کنترل بمیان آمده است ۵۱۰
- ۳ حواله دهندگان و محاسبین (مقصود وزراء و روسای مالیه است) ۵۱۳
- ۴ - کنترل اداری محاسبین ۵۱۶
- ۵ محاسبات دو بل ۵۱۸
- ۶ - کنترل قضایی در باره محاسبین و بجمعداران دولت ۵۲۳
- ۷ - کنترل قوه مقننه در باره محاسبین و بجمعداران ۵۲۵

### فصل بیست و هشتم

#### کنترل حواله دهندگان

- ۱ نبودن کنترل اداری و قضایی نسبت بحواله دهندگان ۵۲۷
- ۲ - کنترل قوه مقننه در باره حواله دهندگان - محاسبات وزراء ۵۲۹
- ۳ - محاسبه کل مالیه ۵۳۱
- ۴ - کمیسیون رسیدگی بمحاسبات وزراء ۵۳۴
- ۵ - بیانات عمومی و راپورت دیوان محاسبات ۵۳۷
- ۶ - عدم کفایت کنترل نسبت به حواله دهندگان ۵۴۰

### فصل بیست و نهم

- ۱ دیوان محاسبات ۵۴۴
- ۲ - مجالس قدیم محاسبات ۵۴۵

## میشد

- ۵۴۷ \* ۲ . دفتر محاسبات ۱۷۹۱ - کمیسیون های محاسباتی دوره انقلاب
- ۵۵۰ \* ۳ : دیوان محاسبات - وظایف قضائی دیوان مزبور
- ۵۵۳ \* ۴ . وظیف پارلمانی دیوان محاسبات
- ۵۵۵ \* ۵ : دیوان محاسبات یا اداره شیهه بآن در انگلستان در بلژیک در روسیه در پرورس در ایتالیا

## فصل سی ام

- ۵۶۴ \* تفریق بودجه
- ۵۶۱ \* ۱ . وضع قانون تفریق بودجه ها در سنه ۱۸۱۸
- ۵۶۷ \* ۲ \* ترتیب مذاکره و رأی پارلمانی - تأخیرات در قوانین تفریق بودجه در فرانسه
- ۵۷۱ \* ۳ . قوانین بودجه در دوره (رستراسون)
- ۵۷۳ \* ۴ . تفریق محاسبات در انگلستان

## فصل آخر

- ۵۷۹ \* خلاصه مقررات بودجه
- ۵۷۹ \* ۱ . خلاصه مقررات بودجه
- ۵۸۳ \* ۲ . مقصودی که تمام مقررات بودجه بطرف آن موجه هستند



# بیونجه

تألیف

ر. ا. اشتورم

مدرس معانی عالیّه، فرانسه و معلم در مدرسه علوم سیاسی پاریس

ترجمه

امان الله اردلان

سازمانه مجلس شورای عالی، تهران، ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱، ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳  
مدیر کل معانی و زاری، فرانسه، پاریس و استاد علمه و دانش، ۱۳۰۲  
وزیر سابق بهداری، وزیر اسبق آزادی و وزیر معانی، تهران، ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴  
۱۳۲۲ - ۱۳۲۱      ۱۳۲۲      ۱۳۲۳  
وزیر معانی، آزادی      وزیر معانی، آزادی  
۱۳۲۳ - ۲۴      ۱۳۲۴

چاپخانه علمی



۳۱ مه ۱۸۶۲ (۱) با وجود احترام و رعایتی که نظامنامه مذکور را سزاوار است بنظر لازم میآید که متن مزبور محتاج بحکام اصلاح و در حقیقت انشاء این ماده نسبت به بعضی نکات حائز درجه دوم قابل تبدیل است.

قسمت اخیر جمله فرانسوی فصیح نوشته نشده است  
Que les lois assujettissent aux mêmes règles  
قوانین میتواند در تحت همان قواعد قرار دمل ( مقصود از کدام همان قواعد است ؟ جمله نامفهوم و ناقص است . راست است که معنی جمله حدس زده میشود ولی باز همین معنی هم مشتبه میگردد زیرا فی الحقیقه هیچ اموری نیست که قوانین بتواند در تحت همان قواعد قرار دهد مگر همان امور راجعه بقوانین بودجه مملکتی : امور ایالتی یا ولایتی یا مستملکاتی قواعدی را متضمن است که غالباً بکلی متفاوت با قواعد جاریه بودجه مملکتی است . نظامنامه ۳۱ مه ۱۸۶۲ نیز متوجه این نکته گردیده زیرا خود همان نظامنامه آن امور را جداگانه ترتیب و تنظیم نموده است .

صرف نظر از این مسئله قبل از آنکه از مطالب دور شویم خوبست راجع بیک سیر نفی توضیح خوب عموماً و نسبت بتوضیح کلمه بودجه خصوصاً اشکالاتیکه وارد میشود بشناسیم . برای اینکده امر بخوبی معلوم و واضح شود بنظر کافی است توضیحات دیگریکه در نظامنامه این رسمی ۳۱ مه ۱۸۶۲ مندرج است بدو تدقیق نمائیم قبل از آنکه توضیحات

( ۱ ) توضیح بودجه در قانون دیوانه عمومی ایران موافق ترتیب ذیل است  
> بودجه دولت مستقیماً که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش بینی و صورت شده باشد . مدت درجوره را سه ساله میگویند و مدت از یکسال

همینکه مجدداً رجوع به تفسیر نظامنامه مذکور شود خواهیم یافت که با مطابقت با سایر تفسیرات این توضیح باز بیشتر مفید است. مثلاً مرگیز هردوفر *Lamarquis daudiffere* شش جلد برای شرح طرز مالیه فرانسه تخریص داده و در هیچ جا نمی‌توان فهمید که خصوصاً بشمار بودجه نامیده است توضیحی در آن خصوص نداده و تفسیری ننموده است (ژرف کاردی *Joseph Garnier* در کتاب *مطالبات* مالیه تولید از هارگیز نموده و سکوت محتاطانه را از دست نداده است قاموس اقتصادی جمله ذیل را داراست «بودجه عبارت از حساب رسمی عایدات و مخارج عمومی مملکتی است» نظر باینکه بودجه و حساب قطباً نقطه مقابل یکدیگر است (چنانکه خود نیز مشاهده آئرا عیناً داریم) در این صورت این دو کلمه برای تفسیر و توضیح یکدیگر نمیتوانند کار رود کتاب لغت اکادمی فرانسه متعاقب دلمه بودجه بیان زبان را نموده که بواسطه طول کلام میتوان بر آن ایراد نمود: «بودجه دلمه ماشوذه از اسکلیسی مصطاح ادارات دلمی است که برای توضیح صورت سالیانه مخارج چسکه تخمین نموده و وجود یا عایداتیکه برای آن مخارج تخصصی میشود بکار میرود.

قاموس جدید اقتصادی از این اشتباه مخارج نشده و باقیام بر عبارت مسیو دیوا *M. Dubois* بودجه تعیین را بر این ترمیم تشریح می نماید مقصود بودجه نمودن و جوهی است که عودت بان بایستی بالاخر اکثری مصحح عام و عمومی بدهند و هم چنین تعیین مصرفی است که باید از این منابع عایدات شود. قاموس ایتره *Dictionnaire Littré* بودجه را عبارت از یک سورتی تصور مینماید که هر ساله برای عایدات و مخارج عمومی تهیه مینماید

ما خواهیم دید که بودجه به يك صورتونه يك جدول بلكه يك تصمیمی است  
 به علاوه كتاب انشاءمیزبوربرای كمك و معارفت به شن جمله خود بیانات  
 مختلفه دلخواهانه ذیل را ذكر مینماید: بودجه عیولای بزرگ ها می  
 قابل تموجیدی است كه از هر طرف باوقلاب میاند از بدوكتور كوگو  
 «بودجه سالانه زالوی حریمی است كه مدتها خون ملت را هكیده است  
 بارتملی Barthelemy» .

این استمارات ما را از جستجوی علمی دور مینماید ولی بواسطه  
 استعانت چند سطر از كتاب سرد عالم مسیو یون لروا بولیر  
 Paul Leroy Beaulieu خوشبختانه باصل موضوع مراجعه مینمائیم:  
 يك بودجه عبارت از يك صورت پیش بینی شده از عایدات و مخارج است  
 برای يك زمان معین؛ این باب جدول نفه منی و تطبیقی از عایدات است  
 كه باید وصول شود و همچنین مخارجی است كه باید بمصرف برسد  
 چنانچه بخوانیم در جستجوی جملات و تر كیبات دیگر می توانیم دچار حمت  
 خواهیم گردید زیرا در كتاب اعلت مالیه از منشآت مسیو وانو Milboiteau  
 موجود سرلوحه عمومی بودجه و عنوان توضیح كه بلكی از اصول آن داده  
 است شامل هیچ توضیح صریحی نیست .

با انجس در هتن نظامنامه ۳۱ مه ۱۸۶۲ و نوشته جات مسیو  
 Paul Leroy Beaulieu از مطالب طور كامل مطامع خواهیم  
 گردید و با ملاحظات ذیل نسبتاً میتوان يك توضیح و تفسیر صحیحی  
 برای بودجه نمود:

بدواً بجز بودجه مملکتی صحبت نموده و سایر بودجه های ایالتی  
 و ولایتی و ادارات مختلفه و خصوصی را کنار میگذاریم. همیشه خیال

بيك نقطه متوجه گردیدم طلب بطور سهولت حاصل میشود . پس از آن بودجه  
 را بيك سندی توصیف نموده و يك صورت بيك جدول آنرا فرستادند تا بنام  
 چنان که بودجه های عهد دیر کتوای (Directoir) یا کتوای  
 Consulat عبارت از بيك رقم عدد بوده و شامل هر چه صورت وجدواي بوده اند .  
 بعلاوه کلمه سند بسیار بموقع خیال پیش سندی و رسمی داخل نظر مجسم میشدند  
 ما بجای کلمه " پیش بینی " مندرجه در نظامنامه ۳۶ م  
 ۱۸۶۲ کلمه " تصدیق " را میگذازیم زیرا پیش بینی عایدات و مخارج  
 فقط شامل يك لایحه بودجه میگردد (۱)  
 ذکر کلمه " قبلی " قابل دقت است زیرا این کلمه بودجه ها را از  
 حسابها تجزیه و تفکیک مینماید .

کلمه " سالیانه " را هم باید از نظامنامه ۳۶ م خارج نمود زیرا  
 که اغلب ممالک بودجه خود را برای مدت چند سال رأی میدهند این  
 اصلاحات مختلفه منتهی بشرکیب جمله ذیل گردیده اند به اسطه ایجاز  
 و اختصار قابل تصدیق خواهد بود : " بودجه " معاملات سندی است که  
 محتوی تصدیق قبلی عایدات و مخارج عمومی مملکتی میباشد . "

امادر خصوص تدفیق اسانی اصل کلمه بودجه ( صندوق کوچک  
 یا خورجین چرمی یا جیب کوچک ) تمام مطامع عالیه ذکر آن مطلب  
 را نموده و محتاج بشرح و بیان مجدد نیست همیوسای Jil Nay میگویند :  
 جمله که زیاد مطلع گردیده باید بطور اختصار آنرا بقان نمود و بعض  
 اینکه خیال بودجه در السنه را قواء افتاد محققاً لازم می آید که بک

(۱) مقصود از لایحه پروژه Projet آن بودجه است که دولت پیشنهاد

مینماید نو صورتی که پس از تصویب مجلس مبادرت از قانون پروژه است .

کلمه ساده و حوض برای بیان آن تهیه شود و از همان موقع انگلستان اولین عملکننده است که اختراع این لغت را نموده است .

مملکت فرانسه متأسفانه بر خلاف تا آخرین موقع رژیم قدیم همیشه بزبان جاریه و سائیلی برای ترجمه لغت مزبور بکار میبرد در سه جلد کتاب *Neker* راجع بامداره عالییه که در سنه ۱۷۸۴ م. به طبع رسیده بهوات امپراتور کلمه بودجه را یافت .

نجمت قاطعی قبل از آن تاریخ در کتاب عالییه فرانسه تألیف رامل *Hamel* وزیر سابق عالییه که در سال نهم جمهوری منتشر گردیده ثابت مینماید که در آنجا کلمه بودجه اصلاً ذکر نشده است .

در فرامین و احکام رسمی کلمه بودجه فقط از ابتدای قرن حاضر ذکر گردیده است .

مظر بمقدمت علمی سابق الذکر میتوانیم نظریات عمومی نری در اصل و در عمل بودجه ببیندازیم .

حق تصدیق و تسویب عایدات و مخارج مملکتی متعلق بمکدام قوه است ؟ این قوه در انگلستان ، ممالک متحده امریکا ، آلمان و فرانسه چگونه خود را فتح نموده است ؟ مقدمه طبیعی و شروع به بیان قواعد اصول بودجه از این قرار خواهد بود .

## ۲- حقوق بودجه

اغلب قوانین مشروطیتهای جدیدیه شامل این جمله اساسی هستند : نمایندگان ملت عایدات و مخارج عمومی را رأی میدهند \* امری زه اصول این مسئله بطوری ثابت بنظر میآید که همان است بمجمله ذیل قناعت نمود :

\* رأی در عایدات و مخارج عمومی با نمایندگان ملت است \* نظر باینکه چنین تریبی همیشه وجود نداشته پس باید در صورت وجهت آن نفوس نبود که برای چه این حق بملت تعلق میگیرد که توسط نمایندگان خود عایدات و مخارج مملکتی را اجازه دهد؟

آیا برای آنستکه ملت مالیات میدهد و تحمل هر نوع نهمیایی را مینماید ؟

از اقله نظر ابتدائی منطقیاً در حقیقت اینطور ممکن است گفته شود : \* مالیات دهندگان حق دارند رشاییت در باب مالیات دهند زیرا آنها مالیات را میپردازند ولی این نظر مقدسائی مقرون بصحت نیست زیرا عمل تأدیبهیج بعنوان و مناسبست سبب تشویق میزان هر امری اختی و تعیین مصرف آن نمیشود .

اگر ما در تحت استیلاى خارجیه واقع شویم آیا ممکن است ادعای تریب دادن مبلغ مالیاتی خودمان را داشته باشیم . مثلا در موقعی که ناپلئون بعد از جنگ یاندر سنه ۱۷۰۶ و ۱۷۰۷ میلاد بر روی آلمان هس و وستفالی و هانور و پروس را بدست ژنرال بلار او کنت دارو داد . نمود مالیات دهندگان آلمانی که مالیات بفانح خودشان می پرداختند با فکر میشوندند که اصل مذکوره فوق را دلیل قرار داده و تریب آنندو مصرف وجهی که از جیب شخصی آنها داده میشود خود آنها بدهند ؟ هرگز ! زیرا سلطنت متعلق شخص ناپلئون و فرمان او اواخر مالیاتی با اقتدار شخصی او صادر میگردید .

حق اساسی که بر طبق آن اجازه دادن عایدات و مخارج عمومی با ملت است مربوط باین اصل نیست . که اعتنای همان ملت مالیات را

میپردازند بلکه تصدیق باین چنین حقیقی از نقطه نظر عالی تر و بالاتری است.  
این حق مبارک از حق سلطنت و حاکمیتی است که امر و زمام  
در دست ملت است.

پس فقط به همین مناسبت است که چون سه دولت درید اقتدار ملت  
است حق اجزاء، ایالتات و مخلوج عمومی را داراست و اگر ملت حکومت را  
در دست نداشت بهتر این بود همانطور که پروسیها، االیان را به ایالتون  
می پرداختند، اوهم میداد. چنین ملتی حق مطالبه حقوق بودجه یعنی  
نیمین جمع و خرج مملکت را دارا نیست

صرفاً تدار از این ۸۰ راجع، نتایج نظامی، مساحت، مالیات در حالتیکه  
مطابق را بالنسبه عادی و یک حکومت آبهائی و با سلطنت مطلقه فرس  
کنیم باز ملا حفظه میشود که کلیه مالیات دهندگان پرداخت مالیات را  
نموده و ابتدائاً آنها را برای تنظیم و تقسیم ارقام یا تعیین معارف مالیات مداخله  
امیدهند پس حکومت یا عملیات حکومت به آنها مربوط و مرجوع نیست.  
مسو بوسوه در قرن هفدهم د مالیات مشخص خود تولید میداد پس  
لوی چهارم) اینطور ثابت می نماید که اقتدار شاه سه حالت داراست:  
(۱) شخص (۲) مورد نی (۳) مظانف، همینکه یک شاه با خود با ملت  
مردم با بستی راحت و در سایه اقتدار او زندگانی نمایند، از آن به  
بعد بوسوه از مقدمات فوق به ترتیب ذیل نتیجه آنجا نمود که گرفتن  
مالیات متعلق بشخص پادشاه است و قضا شاه باید این حق را عادلانه و موقع  
اجرا بگذارد، این مرد ملتمس تشویق میشوند اند آن چیز را که معانیق  
بشخص پادشاه است باو تادیه نمایند.

در حالتیکه حق تعیین مالیات ها و صدور سکه می مربوط به ملت

پرداخت نیست ( یعنی حق تعیین مالیات را جمع به مالیات دهندگان نیست ) پس بطریق اولی این حق به تناسب میزان پرداخت شده نیز ملحق نخواهد گرفت . حق تعیین مالیات و مصارف آن مربوط و مناسب با همان حق حکومت و سلطنت است که در دست افراد می باشد ، اگر حکومت ملایم غیر متناسب در بین ملت تقسیم شده ، اگر قوه اعیان داری را که همیشه قانونی است یا مالیاتی که برای دارا بودن حق انتخاب باید داده شده قسمتی از مردم را از حقوق سیاسی باز میدارد حقوق تقسیم و تنظیم باقیات و مخارج عمومی هم به صاحبان نموده یا محدود می شود و این حق مربوط به مالک از طبقاتی خواهد بود که متناسب حال خود از امتداد اجتماعی سهم میبرند .

در خلاف در تحت اصول انتخاب عمومی هر یک از اهالی بطور تساوی در اداره نمودن امور عمومی شرکت داشته و به نسبت آن ورقه حق انتخاب که در دست اوست مالک آن خواهد بود خواه میلی مالیات پرداخته یا آن سهمی در حق مالیات داده شده باشد . این مسئله واضح است که وضع دست آوردی چنین است که یعنی در داخله مالک نامت متنازع شده یا گردیده است .

جمله مذکوره : « حق رأی دادن در انتخابات » باز هم متعلق به نمایندگان ملت است ، پس از آنکه این مالک نامت در فرار گردیده است .

تاریخ این انقلابات عمومی در این کشور که مالک در زمانه ملل دنیا از اندامی اندازه مهم بوده و سایر این مالک نامت در سوسه راجع به مالیه تا چه درجه دارای اهمیت است ، معلوم از هیچ مجازه

خواهد داد که در توضیحات آئیه و اهمیت صورت سازیهائی که در  
 مقدمات امور بودجه است بخوبی درك نموده و بدانیم که بوسی اوقات ممکن  
 است اگر مقدمات آنرا که علاوه بر سیوف نباشیم این صورت سازیهائے Formalities  
 بنظر غیر مفید بیاید خبلسه اگر ندانیم که این مواد و ترتیبات در مقابل چه  
 فداکاریها در اشکيلات جدید ما مستقر گردیده است.

### ۳- سابقه حقوق بودجه در انگلستان

انگلستان نسبت به مسئله بودجه از سایر ملل پیشقدم تر بوده است. از تاریخ قرن بازدهم کمین Communes گفته است «بعقیده  
 من در تمام ممالک دنیا که من شناسائی آنها را دارم نقطه که نسبت به مسائل  
 عمومی بهتر رفتار کرده است مملکت انگلستان است»  
 همچنین از تاریخ ۱۶۸۸ در هر قعش وورش دوم که گییوم در اثر سلطنت  
 بخت رسد میبینیم اصول بودجه در مملکت انگلستان تقریباً بطور قطعی  
 معین و برقرار گردیده است.

چندین قرن قبل از تاریخ مروز نیز انگلستان اصل ذیل را بموضع  
 اجرامیک داشته است «هر مالیاتی باید بیلو ضایعت ملت باشد» حقوق بودجه  
 مملاتی در اصول قدیم آداب و تدرج و گفته ما کولی مسئله بودجه در  
 مملکت انگلستان مدبری قدیمی است که هیو پرسی مبدأ آنرا قطعاً  
 نمیتواند معلوم نماید.

پادشاه دارای حقوق حقنه بوده است که با کمک پارلمان ما کولی  
 میگوید: شرح این اصل بزرگ در جای مخصوصی بیان نشده اما در  
 گوشه و کنار و در تمام قواعد محترم قدیم ما میتوان این اصل را یافت

و هم‌چنین از همه آن که چهارصد سال است این مطالب در قلوب تمام افراد انگلستان نقش بسته است.

و یک و نوری (طرفداران آزادیخواه و محافظه کار آنوقت) در این مسائل متفق بودند که قوانین اساسی مملکت مخالف آن است که شاه وضع قانون نموده یا مالیاتی بر قرار یا قشون کوچا کند و نگاه دارد بدون این‌که نمایندگان ملت در این امور رضایت داشته باشد. (۱)

این سابقه‌های چهارصد ساله، فصد سوئی را که استوار نهادن قرن هفدهم شروع یا اجرای آن نموده بودند بیشتر مخوف و هولناک ساخته بود.

این سوء قصد سابقاً نیز در عهد نوری وجود بوده و مخصوصاً عازری هنتم و الیزابت بدفعات مختلفه متعلی باین حقوق قانونی نمودند. ولی این تجاوزات همیشه با دقت و شجاعت هفتاد و نه استثناء بوده و در همه اصول را محترم شمرده‌اند.

برخلاف ژاک اول از تاریخ چارلس پنجم در سال ۱۶۲۵ ملکه جنبه منطقی باین دعوی خود داد ژاک را دعوی امور آسمانی دانسته و موافق نصبره‌های رسمی سلطنت را فرق قوانین که کرده و امتیازات ملی مخصوصاً راجع به امور مالیات اینمناقع خود حذف میسود.

این تذکره نظر بدون آنکه در آنوقت سه خصوصیت‌های عاظمی بود در قلوب اهالی مملکت، نباید عدم اعتماد موجوده تها به زاری را از آنکه در عهد پسرش شارل اول ظاهر گردید.

لازم است وقایع را بیشتر مطالعه نموده و در آن حدود مرتباً

(۱) و یک و نوری Tories و نوری Tories دو دسته متضاد است که در انگلستان از اواخر قرن نوزدهم وجود داشته و یکی طرفدار آزادی و نورها محافظت کار هستند.

یکی بهدناز دیگری اجتماعات پارلمانی انگلستان را از تاریخ ۱۶۲۵ تا ۱۶۵۸ انقلاب تدقیق نمائیم.

شارل اول از تاریخ جلوس خود در سنه ۱۶۲۵ مجلس عمومی را دعوت و افتتاح نمود مجلس عمومی کمک خرج مختصری بشاه داد و شاه بپهلوئی نقاشی کمک و مساعدت های بیشتری مینمود این شخص با یک حالت خجالت آوری جراتی و احتیاجات خود و قروضیکه پندرای او گذارده بود بمجلس اظهار کرده مجلس هلی در آن خصوص سختی نموده و شاه اتمال مجلس را که موافق معمول فریضی بود اعلان و از اتمال مجلس بوسیله بعضی قروض هبالتی رای خود تهیه نمود.

اثر باینکه جنگ یا اسپانیول نتیجه خوبی نداد شاه پارلمان دوم را در سنه ۱۶۲۹ افتتاح کرد این پارلمان دوم هبالتی را که شاه خواسته بود بطور وقت عطا نموده و رأی قطعی در مورد اعتبارات مزبوره را که حکم قانون میداشت به جلسه اخیر خود موکول نمود.

از سنه ۱۶۲۹ تا ۱۶۴۰ معموله حالیه قوانین مالیه انگلستان ایجاد گردیده است باین معنی که خلاصه و جمع نمودن تمام اعتباراتی که بطور جداگانه قبلا تمدید و تصویب شده است در آخر دوره اجلاسیه اول سالی مالیه باتمام رسیده و رأی قطعی داده میشود.

شارل اول متعیر از این عدم اعتماد مجلس بر خلاف ترتیبات مقرر پارلمانی شروع به تهدیداتی نمود مثلاً بنام پادشاه گفته میشد که : - ( تمام ممالکک عیسوی مذهب سابقاً اصول پارلمانی را دارا بوده همینکه سلاطین و قوای خود واقف گردیده و عقاید فاسده مجلس ملی را نیز مشاهده نموده اند کم کم حق تقدم و نفوذ خود را موقوف اجرا گذارده و در تمام

همانکه عیسوی مذهب باستانهای مملکت انگلستان پارانها را نمود  
نموده اند) . معین است چنین بیانی باعث رضایت مجالس ملی میگردید .  
مجلس وجهی که شاه خواسته بود قطعاً رد نموده و بدون اینکه  
هیچ وجهی را داده باشد منحل گردید .

وسائل مختلفه مستغرق مستغرق خالی سلطنتی را موقتاً پس  
میشود و برای آخرین وسیله شارل اول جرئت کرده و باقتدار ارد .  
این فرض مطابق آخرین مالیاتی که مجلس رأی داده بود تحصیل به ثلثه  
اهالی میشد .

فضای درباری سعی نمودند که بوسیله تحقیقات دقیقه فرقی این  
حالیات و فرض را تعیین نمایند . مطابق نظر آنها چنانچه مانند گمان ملت حق  
اجازه دادن اخذ مالیه ادارا هستند مذاکره و نزدیک فرض نیز مربوط  
بشخص پادشاه است .

اما این فرض اجباری مالیاتی بود که بابت بدیل ایس ظاهر گردیده  
با وجود تحقیقات و تشخیصات فضایی درباری اهالی در آن موضوع  
اشتباهی نمیشودند .

حقوق عمومی و سلطنت ملی بقدر کفایت از سابقه ایام در ادیان  
اهالی مملکت جایگیر گردیده بود و همین واسطه بیک عدم قبول و انکار  
عمومی فرمان مهور بمرخصان خاصه همایونی را که فرض اجباری را امر کرده  
بود استقبال نمود .

نظر این مسئله یعنی استتکاف مالیاتی به چووقت در فراموشی ملاحظه  
نشده و در صورتی که مالیاتهای خلاف قانون نیز وجود داشته است مالیات

با اعتراض مواجه نشده و استنفکاف و مضایقه نگریده است .  
برعکس در انگلستان و اخیراً در آمریکا مسئله قانونی بودن مالیات  
سبب نمایشها و اعتراضات مؤثره بوده است .

دولت انگلستان در سنه ۱۶۴۷ مجبور به پس نشدند از گرفتن  
اما این جور روزجر او را بمقصود رسانیده بلکه مجبورین برای استنفکاف  
از مالیات بواسطه مراسلات و رجوع محاکمات اغتشاش و هیجان عمومی  
را تلقین مینمودند .

پنجاهقر از همین دستگیر شدگان خود در رابطه انداخته و امر را  
بمحاکمه سلطنتی رجوع نمودند که در آن محل مباحثات اینترافه  
برای ملت منافع کاملی حاصل نمود .

معهذا متعاقب قطع رابطه با دولت فرانسه و مجور و معاونت نقدی  
بیشتر از پیشتر محمل احتیاج شده و یک پارلمان سیعی در سنه ۱۶۴۸ دعوت  
و افتتاح شد

شارل از ابتدا با یک حالت خشونت و اقتداری مملیدر این پارلمان  
رجوع نمود که معاموم بود باعث حصول نتیجه نخواهد گردید . شاه  
اینطور اظهار نمود : اگر پارلمان و وظائف خود عمل نموده و احتیاجات  
مملکتی را در نظر نگیرد شاه خود را مجبور مینماید که بر حسب وجدان  
خود وسائل دیگری را اتخاذ نماید . بنظر شاه فاسقه مالیه بقریب  
ذیل بود :-

بدون شبهه نمایندگان بایستی اجازه اخذ مالیات را بدهند اما اگر  
نمایندگان ملی استنفکاف از تهیه احتیاجات نقدیه نمایند یا اینکه احتیاجات  
فوری و غیر قابل تردیدی پیش بیاید ، شاه نفر بار اربیت حقوق سلطنتی  
باید باقتدار شخصی خود عمل نماید .

نتیجه مشوره قضائۀ مملوق این بود: « در هنگام ضرورت شاه میتواند مالیات وضع نماید و فقط شخص از حاکم قصیه برای تعیین موقع از وی است.

شاه خود را قاضی عالی تصور نمود که موروثاً مأمور بر ستاری ملت خود میباشد و نهیه امنیت و سعادت ملت از وظایف خود است و از طرف خداوند دارای اقتدار و صلاحیتی برای انجام این امر است. داربد هم میگوید: « این يك پند بختی فوق العاده بود که شاه از مشروطیت نمیری که بکلی مخالف و منافی با عقاید اهالی بودیران بود. اتفاقاً نموده بود.

پارلمان در جواب فرائین حقوقیرا که اصول اساسی مشروطیت را تثبیت و تکمیل مینمود تا وین آمد.

قوانین حقوقی مزبوره در روح مینمود که « کونهم ایامی باون رضایت ملت نمیتوان وضع و اخذ کرد مخصوصاً استقرار این خواه از قانون و اجباری و همچنین استقرار اختیار بر او مینمود.

شارل اول بعد از همدی تردید، الاخره بواسطه فشار ایام: « ای قوانین مزبوره را در حقیقت در ۱۶۲۸ بهر خود جمهور نمود. ایران فوراً اخذ مالیات از طرف پارلمان با اجازه داده شد.

معمداً با وجود نهضات خودی دولت شاهانه شروع نمود. از مالیاتهای قدیمه نمود مالیات مزبور در دناخرا اخذ پارلمان. تازه دریافت آنها بطور موافقت داده و موعده آن نیز معینی بود. « ... شده بود.

پارلمان چهارم که در ۱۶۲۹ حذوق کردید، ستاری باارومر هم صرف صحیح مالیاتهای مذکوره نموده رلی میخواست آنها را براند.

اجازه و نمویب نماید بنابر این مأمورین گمرکی را احضار و از آنها سؤال نمود که مطابق کدام قانون مال التجارهائی که بطور قاچاق بدون پرداخت مالیاتهای مزبوره وارد شده است ضبط نمایند شارل اول متغیر از خیال فاسدی که از این تدقیقات بروز مینمود در ۱۶۳۹ انحلال پارلمان را اعلان کرد و در بیانیه خود مشارکت و همراهی پارلمان را بطور اظهاری نمود که بعدها درصفاً و بافتدای خود حیثیت خواهد کرد.

بعد از این مجلس چهارم در سنه ۱۶۴۹ بموقع بحران قطعی رسیدیم. در آن موقع از طرف شارل اول اقدامات عملی برای تصرف اقتدارات مخالفه، برقراری و اخذ مالیاتهای جدید بدون اجازه نمایندگان ملت شروع گردید و شارل با تصمیم آنکه دیگر پارلمانی را دعوت و ایجاد نماید با اقتدار شخصی خود شروع به اخذ عوارض گمرکی بنابر نمود بملاوه شاه انحصار دولتی را در صابون، چرم، نمک و غیره ایجاد نمود و چون بالاخره این عوائد جزئی کفاف احتیاجات او را نمی نمود شارل بموجب فرمان، بوقه مالیات جدیدی باسم مالیات کشتی برقرار نمود. سابقاً در موقع جنگ، حدودت های قدیم، آهالی بلوکات را مجبور مینمودند که مسلح شده و تشکیلات دفاعی بدهند و همچنین از نواحی ساحلی دریا تهیه کشتیها را خواستار بودند و بعضی اوقات هم در عوض کشتی پول قبول مینمودند. مقصود و هدف حالیه این بود که در موقع مسلح با یک ترتیب دائمی چه در داخله مملکت و چه در سواحل دریا آن چیزی را که سابقاً در موقع اجبار و احتیاج لازم بود حالیه این بر قرار نمایند ماکولی گفت: تمام ملت وحشت نموده و غضبناک شدند.

از قرار مذکور بدون شبهه شارل اول از روی عقیده ساف و وجود مالیات کشتی‌ها را برای مرمت و تکمیل قوای دریائی انگلستان صادر میبرد ولی با وجود این ملت نمیتوانست اخذ يك مالیات غیر قانونی را چون رضایت در آن مالیات نداده بود بخود هموار نماید .

هم دن بسکی از مخالفین معروف از پرداخت سهم خود که ۲۰۰ شلنگ بالغ بود استنکاف نمود .

این مخالفت او را بمرض تمام سختی‌های محاسبات میگذراشت دفاع محاکمه او در مدت دوازده روز مورد مباحثه گردید . ملت و بانک وطن پرستی حرارت آمیزی صورت محاکمه را تنقیح مینمودند و بر آن مقصود از بیست شلنگ مالیات هارندن نبوده بلکه مسئله راجع به حقوق بودجه بود و اینکه معلوم شود حق برقراری و اخذ مالیات با کی است ؟ حکومت در دست کیست ؟ در این موضوع بود که مباحثه و مناقشات این ملت و شاه به میان آمد .

چنانکه پیش بینی شده بود هارندن در محاکمه محاکمه گردید ولی همچنان عمومی کار خود را نمود یعنی ملت بیدار شد و با سزای اضطراب زنجیرهایی که برای بستن او حاضرند و صورتها شده نمودند آن بیعت برای ملت این مسئله واضح شد که مشروطیت و آزادی سیاسی او بواسطه غضب و ضبط حقوق بودجه در خطر است .

از جمله ملزس ۱۶۱۹ تا آوریل ۱۶۴۰ پارلمانی وجود نداشت بلزده سال زندگانی بدون مجلس ملی یک واقعه نشیندن را در تاریخ انگلستان ثبت نمود .

تجدد فرائض هانفواصل پارلمانی را قرن بیستم نمیتوان حساب نمود . در مدت این بازده سال دولت مذاومت در اخذ مالیاتهای سرخراری

خورد نمود . بعلاوه املاك سلطنتی را برهن گذارده و قرض مینمود تا اینکه در آخرین درجه لاعلاجی لازم دانست در سنه ۱۶۴۰ مجلس را را دعوت و افتتاح نماید .

شارل اول باین مجلس پنجمین حق داد که مالیات کشتی ها را لغو نماید و گفت \* هرگز مایل نبوده است این عایدی بیکه مالیات ثابتی بشود و بشرافت خود متعهد گردید که بدون رضایت ملت مالیاتی بگیرد \* اما حالت ظاهری مجلس بشاه اینطور می فهماند که مجلس با اندازه وجهی که شاه لازم دارد مساعدت نخواهد نمود و خیالات شخصی شاه هم با این تصور مغایر و مجلس را با یک وضع سریع و شدیدی متحمل و هیچ مقصود را هم از او حاصل ننمود .

قلیل مدتی بعد در همان سنه ۱۶۴۰ ششمین و آخرین پارلمان منعقد شد که باید او را پارلمان طلوع نامید زیرا بعد از شاه هم این پارلمان باقی بود

بماریتدگان جدید ملت شروع باحصار امورین اخذ مالیات نموده و پس از محاکمه امورین اخذ مالیات کشتی ها را مجرم خواندند . پس از صورت اعتراضاتی در ترتیب و برای تحریک مردم تمام خلاف قانونها و تقضیهای قواعد را نسبت باصول اساسی که شارل اول نموده بود در آن درج و انتشار دادند .

در سنه ۱۶۴۲ شاه مجبور بترک شدن گردید کسی بعد بیک جنگ داخلی مابین سلطنت و پارلمان یعنی آن دو قوه که در انگلستان محترم ترین فواست شروع گردید .

چنان که می دانند این جنگ در سنه ۱۶۴۸ به امارت شارل اول که در ۳ ژانویه ۱۶۴۹ در جلو قصر وایت هال اعدام شد

ختم گردید.

بیان و فایده همه این منازعه و تفاسیل هم انگیز آن را تاریخ  
عهددار است.

بدون شبهه در مدت جریان این بیست و سه سال فقط مسائل  
بودجه که مخصوصاً در این کتاب ذکر میشود تنها وسیله و محرک این  
اتفاقات بوده است ولی همین مسائل مالیّه در معدرات انگلستان دهنی  
داشته است که مورخین اهمیت آنرا بخوبی میدانند زیرا الزامات نهایی  
تقدی بوده است که شاه را مجبور بانعقاد پادشاهان هیتمود. میباشد  
را چه بحالیّه بوده است که باعث همیج و تجدید منازعه میگردد در فراری  
مالیات ملی غیر قانونی و مخصوصاً ایجاد مالیات ششپها ۱۶۵۰ و ۱۶۵۱  
از حوائج بزرگ در مقابل شاه شده و بالاخره سبب تقاضای تورش منته  
۱۶۴۸ گردید.

پس از شورش سنه ۱۶۴۸ در موقعیکه ملک استوار را همراه  
آورد اوضاع مرتب بود. شارل دوم مثل پادشاهان ۱۶۰۰  
عایدات مستقلى را دارا بود (از قبیل بعضی مالیاتهای مستقیم و بعضی  
معادفتهای تقدی دائمی یا ماتام المبر)

مشارالیه جز برای کسر عایدات نسبت منتهما احتیاجیان هم واری یا  
کلیه ضروریات فوق العاده پارلمان رجوع نمیشود.

در هر صورت کلیه این عایدات از منبعی که بود خواه مل در دست  
شاه و بدون تعیین و تقبش به صارف شخصی شاه و به صارف در این سررسید  
با این ترتیب در سنه ۱۶۶۰ شاه خود را مجبور دید که امور شخصی خود  
را بیارلمان بیان نموده و طلب استمداد از آنها نماید و از موقعیکه من  
(یعنی شاه) دارشده ام اوضاع من طوری نبوده است که حتی پادشاه اینک

به برادرهای خود بدهم با آنکه نیز غذای دیگری غیر از میز غذایی خود داشته باشیم چیزی که بیشتر بهن اثر میکند اینست که اغلب شما را می بینم به وایت هال آمده و ناچار هستید که برای صرف غذا از آنجا بیرون روید.

در موقع دیگر رسیدگی به مخارج شخصی خود در این مجلس رجوع نموده و از تمام ایلات خصوصی خود که در سال گذشته برای او گران تمام شد شکایت مینماید.

بالجمله مسئله اختیارات دولت شخصی پادشاه و عوائد عمومی را پارلمان میبایستی اصلاح و مرتب نموده و بدین سبب نظارت و تفتیش مؤثری در اثاره شدن کاپیه عوائد مملکت داشته باشد، برای میل باین مقصود پارلمان سعی نمود که بعضی مالیاتها را اجازه ندهد (مخصوصاً وجوهی که برای ساختن کشتیها لازم بود) مگر این قبیل صورت بر آورد مخارج را مذاقه نموده باشد.

باین ترتیب پارلمان تصور نمینماید که وجوه حقیقتاً به مصرف خودش خواهند رسید مطابق گفته داوردهوم عقبیت کارشان داد که پانصد هزار لیره اضافه خرج شده است.

چندی بعد در سنه ۱۶۶۸ يك دمیون مخصوصی که از طرف پارلمان تعیین شده بود خواست به محاسبات مخارجی که نسبت معازرت های نقدی شده است رسیدگی نماید کار این دمیون بواسطه نبودن اسناد راجع به تقریباً مبالغ یک میلیون در نیم مخارج بجهت تعطیل افتاد. شاه برخلاف میبگفت که ملتی هم از جیب خود مصرف نموده است.

ضمناً منازعات قدیمه مابین سلطنت و پارلمان همچنان مرغیب و

این مرتبه مخصوصاً مناقضات بیشتر بواسطه عقاید مذهبی دامن زده میشد مسائل عالیّه نیز در این مناقزه مقامی را دارا وای نسبت به دفعه اول در درجه دوم واقع میگرددند .

تعطیل بی دردی پارلمان غالباً پیش آمده و ملولای گردید . در یکی از تعطیلات پارلمان بود که شاه بدون اینکه جرئت در اقدام به ضیح مالکیت های خود سرانه استبدادی نموده باشد وعده مناسب را تسبیح از انهداری را بکسی میداد که او را از فلاکت عالیّه نجات دهد و شاف از بوری در حالتیکه در دوم ژانویه ( روز موعده استرداد وجوهی که بخرانه داده شده بود اداره عالیّه را بست دارای این مقام گردید .

این تعطیل ناگهانی در پرداخت وجوه تزلزل بزرگی در امور انداخته و باعث ورشکستی انگلی از بانکها گردید امن تنها اداست (دوم ژانویه ۱۹۷۲) که انگلستان در تاریخ مالیه خود شروع را مورد ملامت قرار داده است با وجود این مملکت در آینده ستمه دندگزارا جبران خسارت نمود .

در تحت سلطنت ژانک دوم مناقزه مابین پارلمان و شاه بیشتر از عهد برادر ارشدش وجود داشت و با يك حکم ساده امر به ریاضت رسوم مشروبات نمود این مالکیت فقط برای مدت سلطنت شازل درم ، تا شده بود . شاه در جواب اعتراضات مجلس در اینخصوص اینطور اظهار نمود " ترتیب حاضره که وجود غیر کافی و بیمنت معن برای من زیاده مینماید وسیله خوبی برای این میشود که پارلمان غالباً منعقد باشد اما من شما صریح بگویم که این چنین وسیله ممکن است بقصود برسد و بهترین وسائل برای اینکه من شما را مجتمع نمایم این است که ما من بهتر رفتار نمایم .

همان میل بدانشین اقتدارات مطلقه و همان لجاجت‌ها برای اخذ مالیات بدون اجازه پارلمان در پیش استوارت‌ها .

بعد از شورش ۱۶۵۸ میل قبل از زمان شورش وجود داشت در این خیالات در هر دو موقع همان نتایج را نیز دادند .

بدون اینکه در مرتبه دوم داخل جزئیات بشویم چونکه مخصوصاً مسائل مذهبی هم در این موقع تفوق با عود عالی‌مداشت خاطر نشان کردن این مطلب بنظر کافی می‌آید که یک شورش جدیدی در سنه ۱۶۸۸ باین مسائل خاتمه داد .

گلیوم سوم در سواحل انگلستان رود آمند و باتقلاق یرنسس ماری بتخت سلطنت بجای شاه مغلوب فراری پندرن خود جلوس نمود .

جائوس گلیوم بتخت سلطنت فتح اصول فروری را که نیم قرن بود بیان شده بود در بر داشت اولین اعمال پارلمان پس از شورش ۱۶۸۸ راجع با متحملام این اصول بود باین مناسبت یک تجزیه کاملی ما بین عواید شخص سلطنت معین شده بود کاملاً از مصارف مالیاتی هجری گردید و از اینجا اصل و مبدأ بودجه سلطنتی از یک طرف و جوهی را که شخص شاه میتواند بمیل خود مصرف نماید معلوم نموده و از طرف دیگر عواید و مصارف سلطنتی اداره نمودن و نظارت در آن قطعاً مربوط بتمازندگان ملت است معین می‌نمایند بدانشین میگردد .

فراسه در سنه ۱۷۸۹ مثل انگلستان در ۱۶۸۸ ملتفت شد که مینا و شرط اصلی تشکیل یک طرز مالیه مرتب و مربوط به برقراری بودجه سلطنتی است و داردهوم میگردد : تا در آن موقع ما بین جوهی که برای مصارف و جوهی که برای مصارف سلطنت معین می‌شد هیچ

فرق و تشخیصی نبوده و صرف هر دو مبلغ همین و اراض شاهپور از آن  
 به بعد وجوه معینی برای اداره نمودن امور درباری و مخارج سلطنتی و  
 بقیه عوائد ممالکتی بتسویب و اجازه پارلمان مقرر گردید.

در بودجه درباری بعضی مخارج تقریباً تغییر پذیر را پارلمان  
 ضمیمه نمود. هیئت مجبوعه این مخارج از قبیل منافع که با منعمان  
 عمومی باید داده شود در بعضی عطایای مختلفه تشکیل یک قسمت از وجوهی  
 را میداد که یکمترتبه نسبت به همگی آنها رأی داده شده و در تحت  
 عنوان وجوه دائمی نامیده شده و امروز هم در تحت همان عنوان محفوظ  
 است *Condi Consoli des* تمام مخارج دیگر عمومی ممالکت در  
 تحت اقتدار مستقیم پارلمان قرار گرفته و هر ساله باسی در باره آنها  
 پارلمان رأی دهد. راجع بمالیات نرس قانون بودجه ۱۶۸۸ در سنه  
 پانزدهم سپید تجدید قطعی صلاحیت این امر انموده و از آن وقت  
 آنرا موکول بمجلس نمایندگان ممالکت نمود.

اساس آنچه‌تری را که ما حقوق بر وجه نامشده ایم باین ترتیب معلوم  
 در سنه ۱۶۸۸ در چلوس کلوم ۳ در انگلستان برقرار گردید. از آن  
 به بعد پارلمان مالک حق بلا معارض اجازه دادن و نه دادن نمودن تمام  
 عایدات و مخارج عمومی گردید و تمام مطالب در هر سال بر اساس  
 اساسی بود.

تکمیلات آهسته خود بخود از اجراء و اعمال عین اصل اساسی  
 جاری و مطابق گفته رینال حل مسئله بود چه برای انگلستان دفعه وار آمده  
 وسیله و استعکام آزادی نیز گردید.

## ۴- اصول حقوق بودجه در ممالک متحدہ امریکا

مسائل بودجه در نتیجه جنگی که در اواخر قرن اخیر نامت

استقلال امریکاشد مقام قابل ملاحظه و اشتغال میسازند.

پارلمان انگلستان سه از جزیره انگلیس در آنوقت به مستعلمات  
وسیه در امریکای شمالی حکومت می نمود در ۱۷۶۵ تصور نمود که  
مخارجیکه دولت انگلیس برای حفظ و حمایت امریکا همیشه بدو میباید  
مالیات بدادند تا همبند شود بدین جهت در هشتم ماه مارس ۱۷۶۵ برقراری  
مالیاتی راجع به نهر در امریکا امر داده شد. تا آنوقت نیز با وجود  
حالت تابعیت امریکا بدولت اجنبی مالیات را خود برای خود درج  
می نمود.

جارج گریویل این بدعت جدید را برای جلوگیری از سوء  
اثر در نظر امریکائیها با کمال ملاحظه ایجاد نموده و مخصوصاً  
آنخذ حقوق جدید نهر را باشخصی غیر از مأمورین امریکائی  
رجوع نمی نمود.

در ابتدای امر مسئله ساده و آرام بنظر آمد اما بزودی مجلس  
محلی در نوحه نوره برای ازادای خود (یا نریث هنری) در این موضوع  
بروینست سخت نمود. و از پرداخت مالیاتی ده پارلمان انگلستان --  
پارلمانی که در او نمایندگان امریکا مدانند در قرار نمود جداً  
انکار و استنکاف کرد.

مجلس محلی بیگفت این مسئله تمام است ده فقط مجلس عمومی  
مستملکاتی حق واقتدار نهایی مالیات بسا زمین خود دارد.

این اعتراض مجلس محلی مثل جرقه بود که ملت را مشتعل نموده  
و از طرف مأمورین نمایندگان انتخابی در پیر نیو یورک مجتمع گردیده  
در ماه اکتبر ۱۷۶۵ بیابیه دلیل را اشاعه دادند چون کلیه مالیاتی ده  
به سلطنت داده میشود عطیه آزادی است از طرف ملت بنابراین خارج

از منطق و برخلاف قوانین مشروطیت انگلیس است که پارلمان بر پادشاهی  
 کبیر داری اعلیٰ مستلکات را ، باعلیه حضرت پادشاه بدهد .

این مسئله خوب دیده میشود که دلایلی را که ملت انگلستان  
 برای حفظ خود در مقابل شاه و برای آزادی داخلی خود در يك قرن  
 قبل بکاو میبرد امریکان نسبت به حق خود سبب آرام انگلستان قرار میدهند  
 در مقابل چنین هیچانی پارلمان انگلیس خود را عقب نشینده و عالیات  
 امر را نسخ نمود و این امر در ۵ مارس ۱۷۶۶ به سال پس از موقراری  
 آن واقع گردید .

بدبختانه دولت بزرگ پادشاهی کبیر از پشمال حکمرانی و تفوق خود  
 افتاد و در ۲۹ مه زون ۱۷۶۷ بجای مالیات تمیر عوارض شیشه ، شکر ،  
 رنگ و چائی را برقرار نمود .

تعرفه این چهار مالیات چندان زیاد نبود زیرا ذابیه عایدات آنها  
 متجاوز از يك ملیون فرانک نمیکردید . مقصود از این مالیات ، بیشتر راجح  
 باصول مسئله و کمتر مرئوسه بجنبه هالی آن بود و از همین نظر بود که  
 مباحثات را تجدید و تهیج مینمود .

امریکائی ها میگفتند ( کوبه های ما حاضر است ولی ما می خواهیم  
 مثل يك نفر عضو آزاد مملکت مالیات دهیم نه مثل برادر ما زرنارند )  
 و آشینگتن می نوشت ( مقصود چیست و بر آنچه متابعه داریم آیا پرداخت  
 يك مبلغ جزئی مالیات چائی است ؟ نه ۱۱ پس فقط راجح بحق ملی است  
 که مضایقت مینمائیم ) .

خبر موقراری عوارض جدید بانعت هیچان عظیم در تمام مستمالکات  
 گردیده و اعتراضات از هر طرف شروع کردند . در پارلمان انگلستان  
 هم اظهاراتی شد که فقط خود اعلیٰ حق وضع مالیات برای خود را دارند

لرد چانام گفت: - وقتی ما در این مجلس رای برای یک مالیاتی میدهم این رای مربوط آن چیزی است که متعلق بخود ما است. نسبت به امریکا چه میخواهیم بکنیم آیا ما یعنی پارلمان انگلستان باید دخالت در مالیه مجلس امریکا نمائیم؟ (واضافه میکند که) ما نمیتوانیم بدون رضایت آنها پول از جیبشان بیرون بیاوریم)

مجلس محلی مستعانت پیشنهاد مجلس در برزیسی را بیرون نمودند و میباشند که قانون مالیاتی ۱۷۶۷ نسخ و الفاء نشده بکلی استعمال مال التجاره انگلیس را متروک دارند.

خانها شروع زینتی در انگلستان میآید موجود نمودند و چراغها آنها را در این موضوع تیراک می گفتند. چقدرها این جنس تسوا را تنها با وجاهت طبیعی داربا می بینیم مخصوصاً که یک وطن پرستی مالی زینت آنهاست.

شهر بوستون بواسطه مقاومت سخت مخصوصاً پیش از همه خود را معرفی نمود.

پارلمان انگلستان احتیاطاً از دست اندا در پیچید قانون مالیاتی ۱۷۶۷ را لغو نمود ولی رای ایشان حق نفوق خود را ثابت مساید مالیات چنانی را بحالت خود گذارده و فردا عوارض در گروا که راجع به پیششورک و کانتی بود لغو کرد (قانون ۵ مارس ۱۷۷۰).

این مالیات تخمیناً عبارت از سیصد هزار فرانک بود ولی چون برقراری این مالیات مختصر ده تنها از یک محصول (چغالی) گرفته میشد علامت و عبارت از یک اصول اساسی بود باعث شورش عمومی و جنگ استقلال امریکا گردید.

آفتشاش و قتل در شهر بوستون عبارت کشتیهای کپیایی هندوستان

انداختن بارهای چائی آن کشتیها بدریافتن شرب چائی در تمام مستعمرات  
ابتدائی مخالف و اولین جوابی بود که از طرف امریکا به قانون پنجم  
مارس ۱۷۷۰ داده شد .

حکومت انگلستان با وجود نصیحت و موعظه بورا و ارد چاتام  
در مصیبات خود لجاجت نمود امریکا در ۱۷۷۴ قیادتی در سنه  
۱۷۷۴ این بیان نامه حقوقیرا اشاعت داد : - « ما هر نوع خیار و نظریه  
را چم به برقراری عوارض داخلی و خارجی را که بدون رضایت امریکائیا  
اخذ یک مالیات را در نظر داشته باشد بکنی نگویم ما اینم » .

در ۱۹ آوریل ۱۷۷۵ جنک کوچک لاسینگتن واقع گردید  
فشون مرتب گردیده و اشینگتن بریاست آنها در قرار و در چهارم ماه  
ژویه ۱۷۷۶ استقلال امریکا اعلام گردید چنانکه ۱۷۷۶ هیدانند جنک  
بمعاهده ۳۰ نوامبر ۱۷۸۲ ختم و این معاهده فعلاً به اسننه ماهند صلیح  
۱۷۸۳ تصدیق گردیده و استقلال و مشروطیت ممالک متحده امریکا  
شناخته شد از تاریخ ۱۷۷۸ در موقع جریان حکومت پس از شکست  
پارلمان انگلستان عوارض چائی را نیز نسخ و مخصوصاً بیان نمود که  
هیچگونه مالیاتی نمیتواند در امریکا از طرف پارلمان انگلستان برقرار  
نخواهد گردید . « قانون نازدهم مارس ۱۷۷۸ » .

بعاور خلاصه در ابتدای وضع مالیات دمیر و بعد برقراری مالیات  
چائی موجب قطعی جنک استقلال امریکا گردید .

در این چنانیز فتیح حقوق بودجه باعث فداکاری (۱) بر روی گردید  
و منازعات شدید دولتی را بر سره ظهور و وجود آورد .

---

۱- اگر در مبارزات فداکاری مالی هم موجب تمام جنک استقلال امریکا برای  
آنها متجاوز از ۲ میلیارد و نیم تمام گردید

این فورمول رمانده که برحسب ظاهر ساده است و به فضل الهی امروز مخالفی ندارد بجه سابقه‌های مخوفی را بخاطر می‌آورد .  
 این اصل عبارت از همان کلماتی است که گفته ایم « اجازه دریافت عایدات و مصرف مخارج عمومی مربوط و متعلق بنمایندگان ملی است .

### ۵- حقوق بودجه در پروس

مشروطیت ۳۱ ژانویه ۱۸۵۰ در مملکت پروس رأی در باره عایدات و مخارج عمومی را از طرف نمایندگان مملکت بیک طرف قطعی ضمانت نمود معهداً پس از تاریخ مشروطیت از سنه ۱۸۶۲ تا سنه ۱۸۶۶ دست اندازی های بزرگ بحقوق بودجه پارلمانی وارد آمد .

وکلای مجلس پروس در سنه ۱۸۶۲ استنکاف از مشارکت در نقشه و ترتیب تشکیلات جدیده قشون نمودند ، این تشکیلات که از طرف دولت پیشنهاد شده بود عبارت از برقراری طرزقشون گیری اجباری عمومی بود .

و کلاً باید رأی قطعی اجبارانیکه برای ندادن مخارج این تشکیلات بود از بودجه حذف و مخارج نمودند سی و در بیزمارک که برای اولین دفعه در آن موقع مقام ریاست هیئت دولت را اشغال نموده بود کلیه لایحه بودجه را از مجلس نمایندگان استرداد نمود و اظهار داشت که لایحه بودجه را بدون رفورم قشون نمیتواند پیشنهاد نماید .

بیزمارک جرئت نموده بطور موقت لایحه بودجه را مستقیماً در مجلس اعیان در تحت مشاوره و مذاکره آورده و در مجلس اعیان نیز

مطابق پیشنهاد دولت لایحه مزبوره را تصویب نمود. بودجه سنه ۱۸۶۳ که از طرف مجلس اعیان فقط تصدیق گردیده و در حقیقت بانک مجلسی او را تصویب نموده بود که از طرف آراء عمومی منتخب نشده بود. و رفع اجرا نگذاشته شده ترتیب مزبور بکلی مخالف و ناقص مشروطیت ۱۸۶۱ ژانویه ۱۸۵۰ بود و کلاً نیز پیروست شدیدی در این موضوع بر حسب لزوم نمودند این بی تردیدی سه سال متوالی در سنوات ۱۸۶۴ و ۱۷۹۵ و ۱۸۶۶ معمول گردیده و چهار بودجه بی دریبی باین شکل بدون تصویب قوه مقننه مجری گردید.

فلسفه منطقی که مسیو توپیز مارک اقدامات خود را به آن متکی میداشت از قرار ذیل بود :

(زیرا برای هر عملی همیشه دلائل و راهینی میتوان اثر نمود) «مجلس ملی حقوق معلولان بودجه را نمیتواند در هر یک از سال ۶۲ قانون اساسی ۱۸۵۰ میگوید، قوه مقننه متحد و متساوی از طرفین شد و مجلسین به موقع عمل نگذاشته میشود.

اگر اختلافی پیش بیاید مشروطیت پیوسته حل آرا معامه نموده است که کدام طرف باید بطرف دیگر تسلیم شود و اگر بودجه تهیه و برقرار نشود برطبق گفته بیژن مارک خانات بی تردیدی در این امر را ایجاد میکنند و چون مشروطیت هم حلی برای آن تصور ننموده پس حل حقیقی مسئله باید در یک ائتلافی بشود چنانچه بارها گفتنی حاصل شود تولید منازعه خواهد گردید و چون زائد گائی و اداره بانک ممالکت ممکن نیست بحالت تعطیل و تمویق بماند و این منازعات بلا ضرر منتهی به اسباب قوه میشود پس کسیکه قوه در دست دارد بر طبق عقیده خود شروع بعمل خواهد نمود» (۲۷ ژانویه ۱۸۶۳)

باید ملاحظه کرد که بچه امثال سعیدی بیان پارلمانی صدر اعظم  
آلمان خاتمه یافت.

بدون اینست که باطراف مختلفه این منازعه نظر اندازیم نتیجه  
اختتام آنرا بیانش مینمائیم - کردار و اعمال دلائل دولت را تعیین و  
تثبیت نمود.

در سنه ۱۸۶۶ جنگ هابس پروس و اطریش شروع گردید محاربه  
از دم رفودم نظامی پروس که بر علیه مقارنت مجلس ملی بموقع اجرا  
گذازده شده بود عملاً نشان داد و مجلس ملی تسلیم گردید.

چیزی که قابل ملاحظه شد این بود که پس از این شربه شاه و صند  
اعظم بایدک حالت تسلیمی نسبت بخلاف قانونیکه در این مدت مرتکب شده  
بودند از مجلس ملی سعادت نخواستند پادشاه کلیوم اینطور بیان نمود  
( در این سنوات اخیر بودجه باتفاق نظر نمایندگان ملی تعیین نگردیده  
و مخارج عمومی که در این مدت شده اساس قانونی را نبوده است .

شاه با این ترتیب بخلاف واقع شده اقرار و از مجلس تقاضا مینماید  
که ما او مساعدت نموده بودجه را مجدداً بمجرای قانونی خود وارد  
نمایند و شخصاً وعده میدهد که بعدها از ترتیب قانونی خارج نخواهد  
گردید . شاه به بیان خود میافزاید « با این ترتیب منازعه خاتمه دائمی  
خواهد یافت »

این موضوع سرمشق و نمونه زرگی است که بهتر از بیان هر فلسفه  
اصول حقوق بودجه را نشان میدهد زیرا بک حکومت و دولت قانع نیز  
در جلوی کچنین حقی تسلیم میشود .

# فصل دوم

## سابقه اصول حقوق بودجه در فرانسه

۱۶۴۰ سالجه اصول بودجه در فرانسه، دوره انژانرو و پامپلیس طحانی مبنایی خصوصیات این مجالس و قدر شناسی اعمال و صورت اجراءها را فراهم آورد. آنها - سلطنت مجالس مزبور را گاه گاه یاکآلت حالیه هزار سده -

۱۶۴۰ دوره دیارلسانها - پارلمانیهای مقامی را که از سنه ۱۶۱۴ از طرف انژانرو آزاد گداورده شده بود اشغال مینمایند - این پارلمانیها کتاب حسابهای آنها را نگارند لوی چهاردهم زبان اعضاء پارلمانرا بسته و آنها را در ۱۶۱۴ - ۱۶۱۵ - تحت سلطنتی در پارلمان حواله شخصی غالباً بر فواکه عدوی در ۱۶۱۴ - ۱۶۱۵ -

تحت امینانی دوره تشکیل یا تأسیس اصول جدید نمایند مبنی بر مواضع از سنه ۱۷۸۹ از طرف نمایندگان ملت برای داده مشوره و قمار انانرا و ... مطلق مجلس ملی راجع بموضوع نمایند و ولایت خود - در دوره انانرا - نسبت استخراج اساس مکتبی ایجاب نگردیده - حقوق نمایندگان ملت هم با ابتدای دوره دست راسیون - راجع بمباحث همیشه مورد مباحثه بوده است - پس از آن در ۱۸۱۴ - ۱۸۱۵ بودجه شامل تمام اقسام آنهم از نمایندگات و مباحثه گردید -

## اول سابقه حقوق بودجه در فرانسه - دوره انژانرو

تاریخ بودجه فرانسه را بر سه دوره و زمان میتوان محسوم نمود :  
اول انژانرو - دوم پارلمانیها - سوم دوره تأسیس اصول حالیه .  
دوره انژانرو در سنه ۱۶۱۴ در هودج مرسن لوی سیزدهم در ایابت سلطنت ماری دوهدیسی خاتمه یافت . از آن تاریخ تا سنه ۱۷۸۹ نمایندگان ملت در بگر اجتماعی نمودند . همانطور که زمان احدی نام این تأسیس را در فرانسه بسهولت میتوان معلوم نمود تمیس تاریخ ابتدای تأسیس آن نهایت اشکال را دارد بعضی از مورخین اصل تأسیس انژانرو را از سنه ۲۲ در زمان فاراویز و در هودج مرسن قادیان و رسالتا ، دانسته اند

(قوانین فرانکها که فرانسه را مسخر کردند)

پس از آن تاریخ دعوت و اجتماع معروف باسم شان و مارس شان دهه بمیان آمده است.

امروز بجای این فصول اطلاعات تاریخی مورخین عالم بما نشان میدهند که تا قرن هفتم هیچ مجلس عمومی ملی وجود نداشته است. پس از آنهم کنوانسیون ژنرالپس نیز مجالس عمومی ملی نبوده اهالی در آن مجالس حضور بهم نمرسانیدند مگر در نودت از امر رؤسای محلی خود از قبیل کانتها و کشیشها شاه دور و خارج از دحام فقط با اشخاص بزرگ مذاکره مینمود. مشارالیه در جلسه اختتامیه خود را بملت نشان داده و شخصاً در آن موقع نطق مینمود و یا وزیر دربار نطق شده را قرائت میکرد. و عنتها اهمیت مردم نحسین نطق شاه بوده است تفصیل این وقایع با یک معلومات واسعه در کتاب مسیو فوسلی کولانز کاملاً بیان شده است (۱)

در قرن وسعلی مجالس فتودال هر شب از اعیان و ملاکین و کشیشهایی بوده که پس از وعده یک صباح مالیات بشاه خود را مأمور وصول آن صباح از رعایای خود مینموده و بدون مشورت آنها وجوه لازمه را دریافت میداشتند. عطاق گفته مسیو وبرنی تصور این مجالس فتودال به منزله مجالس نمایندگان ملی شخص را بخیالات و امثال جدیدند انداخته و تطبیق اوضاع حاضره با قرون وسطی در تأسیسات فتودالیه غیر مناسب است (مطالعه در اصول مالیه فرانسه)

اولین مجلس انانژترو که بمسائل مالیه اشتغال ورزید در سنه ۱۳۹۲ در دره سلطنت فیلیپ لیل بود چند سال قبل فیلیپ لیل بگداز از بازها و کشیشها را از خود جمع آوری نمود وای نظر باینکه اشخاص

(۱) از آن پس بروفسور اولین تاریخ این عهد را در چندین جلد تصنیف نموده است

مزبور انظار داشتند که اقتدارات لازم را برای پیچور نمودن مالیات دهندگان ندارند شاه تصور نمود که با رجوع به نمایندگان حقیقی ملت بهتر می تواند وجوهات لازم را برای کمک خرج خود تحصیل نماید .

بنابر این جلسه ۱۳۹۴ در قصر سبته در پاریس در و نمایندگان عامه منعقد گردید . اعضاء حاضره این طور بیان نمودند که \* برای کمک بشاه حاضر و هر يك بقدر قوه خود مساعدت خواهند نمود \* نظر به جنب مهم فوراً جلسه خاتم گردید و شاه بر حسب حکم شخصی خود چند فقره مالیات برقرار نمود .

پس از دوره فیلیپ لبل در دوره سلطنت لوی دهم و فیلیپ لئاناک و فیلیپ ششم فقط سه دوره اناپروان سبو با انازرو قابل ذکر هستند از مجالس مهمی که در دوره سلطنت ژان منمقد گردید و انکال مرسی را دارا بودند بر میم .

در آخر سنه ۱۳۵۵ در موقعی که جنک بالکستان در گرفت تمام وسائل مالیه تمام گردید و ژان لبل او مجالس انازرو در دوم دسامبر ۱۳۵۵ در پاریس منعقد شده بود اجازه مالیات نه را تحصیل نمود .

پس از شکست پواتی که پادشاه فرانسه اسیر گردید بدسوت و ایمهد مجالس انازرو در سنوات ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ برای رأی در وجوه لازم به خاطر مذاکره جنک بالکستان و پادشاه شده شد . در اکتبر ۱۳۵۶ عده و کلا به هشتصد هزار سینه و چهارصد نفر از از آنها از طبقه چهارم ملاک بوده و یک حرارت انقلاب آمیزی داشتند . ولی مدت آن خیلی کم و بطول نیامده است .

در این اوائل سلطنت شارل پنجم مجلس منعقد نگردیده و بگفته زارژیی که شاه جدید تا احتیاجات مهمی روی ندهد مایل بدعوت و کلائی که اقتدارات سلطنت را میخواستند در تحت کنترل بیرون بیاورند نبود.

در سنه ۱۳۶۷ يك اجتماع ساده از متنفذین مملکت تشکیل و در سنه ۱۳۶۹ هر سه طبقه کشیش ها نجیبان و نماینده شهر ها از تمام جمع گردیده تصمیم در جنگ با انگلستان گرفته و شش ماه بعد مالیاتهایی که برای تجدید خصوصیت لازم بود اعلام و دادند.

قبل از پنج مجالس که در سلطنت شارل از ۱۳۵۵ منعقد و جلسه دوره شارل پنجم در ۱۳۶۹ مجلس اتازونرو جز در نواریغ ذیل منعقد نگردیده است.

در ۱۴۱۲ در پاریس در سلطنت شارل ششم در ۱۴۲۰ در پاریس بدعوت پادشاه انگلستان هاری پنجم در ۱۴۲۲ ، ۱۴۲۴ ، ۱۴۲۵ ، ۱۴۲۵ و ۱۴۲۸ این چهار جلسه اخیر در سلطنت شارل هفتم و در موقع جنگ صدساله منعقد شده است مجالس مزبوره هر ساله تا سنه ۱۴۳۵ مجتمع گردیده و جدوجهدی در کمک و مساعدت شاه می نمودند . در سنه ۱۴۳۹ در ارلان در عهد سلطنت شارل هفتم انازونرو ایجاد قشون دائمی نمود . و مالیات سرشماری را بطور ابدی برای مخارج ژاندارمری همین نمودند (۱) قبل از آن در انعقاد مجالس مزبوره فاصله پیدا شده و مدت

---

(۱) مالیات سرشماری در فرانسه از قبل از هزار و هفتصد و هشتاد و سه وجود بوده و مثل مالیات بر عایدات میزان آن هر ساله عین و در ولایات قسمت می شده است و مالیات شکل مالیات ارضی را داشته است که از املاک ساختمان دارویی ساختمان میگرفتند .

فواصل آن بماتشان میدهد که این تأسیسات چه اندازه مفیدی و غیر نافع بوده است .

در سنه ۱۴۶۷ در سلطنت لوی نازدهم در سنه ۱۳۸۳ در سلطنت شارل هشتم در ۱۵۰۶ در تورس در سلطنت لوی دوازدهم در سنه ۱۵۵۸ در سلطنت هنری دوم فقط اجتماع مجلس ای صیانت در سنه ۱۵۶۱ در صهرس شارل نهم در سنه ۱۵۷۶ در سلطنت هنری سیم در سنه ۱۵۹۶ مجلس نجیباً در سلطنت هنری چه‌زده و سوای بالاخره در سنه ۱۶۱۲ در پاریس در صدر سن لوی سیزدهم آخرین جلسه ۱۴ از شورش فرانسه تشکیل گردید است چنانچه صورتی را بدو اعلام داده نمایم میبینیم که خارج از سلطنت ژان لادن و شارل هفتم از جمله دانستند اما جلسات عالیاً منعقد بوده است دیگر هر حدی هر روز در آن مجمع تا شش جلسه انعقاد یافته و بعضی را هم با انداز این صورت اطلاع نمود زیرا مجلس قانونی که عبادت از مجمع نمایندگان صیانت در سنه ۱۶۱۴ منعقد گردید .

خلاصه این که مجلس های اسلا و چه بدانشه با این امر بطور مرتب جلسات منعقد نمی گردیده و دانش عدم قدرت این مجلس ملی برقراری مالیات های جدید از طرف سلطنت بوده است و میتوان گفت که تا سنه ۱۶۸۹ هرگز هیچوقت ایجاد مالیات نشده در صیانت نبوده است .

معمولاً با وجود این فواصل در انعقاد مجلس بازرسان مالیات هر مالیاتی باید رضایت ملت اخذ شود در فرانسه میزان اشکوار این مدار که چندین مرتبه رسماً بیان و اعلام گردیده و سلطنت هم اراقتی نموده بود دائماً در عقاید مردم نفوذ داشت با عدم اجراء آنها مدتی این